

بیشاپور

سال سیزدهم
شماره ۵۹۱
اعضه ۵۰۰
تعداد ۵۰۰ نویسنده
۱۳۹۷ شنبه ۵ تیر ۱۴۲۹
شوال ۱۲ ۲۰۱۸ زوئن ۲۶

تیترها

اسماعیل رضوی فرد مدیر مجتمع
شورایی حل اختلاف کازرون در گفتگو
با پیشنهاد: ۱۲۵۰ مورد
پرونده به صلح و
سازش ختم شده
است

ایکوموس به برونده ثبت جهانی محور
سازمانی فارس هم ایجاد گرفت
چالش در ثبت
جهانی بیشاپور

زیر پوست تقسیمات
کشوری

نفس های آخر حشمه
سازسان با ۵۰ لیتر در
ثانیه

حمل کننده تریاک در کازرون،
محموله آتش را آتش زد

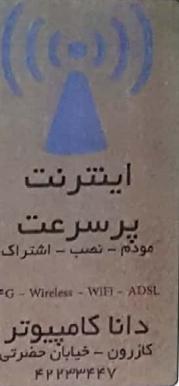
در نشست مطبوعاتی رییس دادگستری و دادستان شهرستان کازرون مطرح شد

تشریح مواضع صریح دستگاه قضایی کازرون

در جریان حوادث اخیر شهرستان

به همراه تشریح عملکرد

دادگستری کازرون در یک سال اخیر



تیترها

رئیس جهاد کشاورزی کازرون خبرداد
اشغال ۲۶ هزار نفری
این شهرستان در بخش
کشاورزی

کوهمره نودان کازرون
تشنه‌تر از همیشه
تاریخ

حجت‌الاسلام خرسند
رأفت اسلامی و
زنдан‌زادایی در
اولویت باشد

دستگیری ۱۷ سارق و
کلاهبردار در کازرون

شمارش معکوس برای جهانی شدن کازرون

واکنش اعضای حزب کارکردان به وقایع کازرون

نماینده کارکردان با اشاره به وقایع کازرون:
**مسوولین از مردم
عدرخواهی کنند**

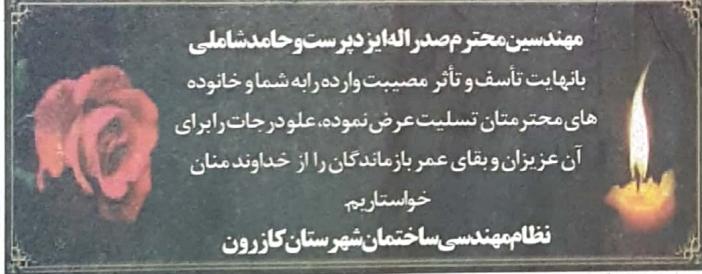


همشهریان سپاس

مشارکت بی نظیر شماره مبارک رمضان در

* اکرام ایتم * اطعام بسته های غذائی
* صدقات * سپرده گذاری در صندوق امداد ولایت
را صمیمانه ارج می نهیم.

رئیس کمیته امداد امام خمینی ره کازرون



نظام مهندسی ساختمان شهرستان کازرون

جناب آقای دکتر داریوش دهقان

انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان نماینده عالی دولت در شهرستان کازرون تبریک عرض نموده، امیدواریم با صداقت و صمیمیتی که دارید، موجبات رونق و توسعه شهرستان کازرون در بستر های عمرانی، اجتماعی و گردشگری را فراهم آورید.

شهردار و شورای شهر نودان

اگهی فقدان سند مالکیت بخش ۷ فارس شهرستان کازرون چون آقای محمد بخشیان فرزند کریم با تسلیم در برگ استشایده که درفتر اسناد رسمی شماره ۱۹ کازرون تنظیم گردیده مدعی است که نداد یک جلد سند مالکیت به ششانگ پلاک ۷۷۱۸ در قطمه ۴ بخش ۷ فارس کازرون که بنام محمد بخشیان نسبت و سند مالکیت صادر گردیده و سند مالکیت صادره بشماره جایی ۳۴۴۶۳ ب ۴۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا نامبرده تقاضای صدور المتنی سند مالکیت نصوده مراتب طبق ماده ۱۲ اصلاحی آینه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای گردیده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد تا به روز پیش از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعت و اعترض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت با خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعترضی نرسیده و یا در صورت اعترض اراضی اصل سند اداره نشود اداره ثبت المتنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به مقاضی تسلیم خواهد کرد. ۱۴۰۷/۴/۵. الم الف

داود انصاری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کازرون

بشتی یک ملت بود برای این ملت
امام خمینی (ره)

۱۳۶۰ قیمر

سالروز شهادت مخلو علیه آیت الله دکتر بھشتی
و ۷۲ تن از باران با وفات امام خمینی (ره)
و رور قوه قصانیه کرامی باد.



نهایی ملکی، بار دیگر قسمت پایین باشند و نوار بادشده (چیده یا گشته) را از وسط نوار به شیوه‌ی می دوختند، که همان عمل **بَلِين**- **bâlin** «می گفتند.

مداد از اینکه با «ماک» خواشی (رووار) و بوده باشد شویه (تخت) دوخته می‌شد، و یوی چند نسبت می‌گردید و بازی می‌شد. بالاین دوزی گری فرق است: یکی فاصله داره که ساده بود و دیگری بسون فاصله که در ریز ریز ریف دوخته می‌شوند و به آن «تویز» res-lt. می‌گفتند.

در دوختن روپاره شیوه، از دونوع
برفشن استفاده می کردند؛ یکی درفش
لاک پشت زنی، و دیگری درفش
الیندوزی.

پاشنه قطفمه چرمی بود که در پشت
پاشنه باشنه ملکی مکنی را بر ساری
ادند و می دوختند که بر استخوان
غیراید و مانع از شکسته شدن پاشنه
برد. یعنی تنه که namad کمی
گتر است برای پاشنه هر آزاد خالی
شته ملکی می دوختند تا به عقب
پاشنه بازی وارد نسازد. بازی از
برایش می دانند. روی چرم پاشنه با
چون چند زمان اشکل مختلف هدی
می دوختند و تزیین می کردند
حکمت و.

دز ایشانه دوزی مکنی را وروار مکنی را نامنگ
یز زندگی و برووار مکنی را نامنگ
می کردند تا قابل های جا بینند. آنگاه
یز ورواری و برومه آن مسک مهربانی
شکنندگان بودند. این کار هم قابل
هرگز تکرار نبود.

لشکر کشند می بینوں چه می او دید، بار
کسر کشیده های ای اه ها را ماحصل
می سو و سفیدرنگ می کردند و تخت با
دو لکلی را برخانه طبلو نهادند و کشنا
می رنگی می موندند و آنها در گوشه های
کارگاه یا دادگان قرار می داشتند کا مکالمه
کشیدند و بعد هدایه را لگلک می
باشد چه بگفتند و باشد
ست. توکل یک در فرش را روی نقطه
خط رویه ملکی می خواستند و به
توکل یک درون ملکی (یا بوز) می کشندند.
یک خط فور فتنی روی رویه ایجاد
نمودند. این کار برای یک نبوده هرگاه
واحدند و در لونکه ملکی را رویه
برادر داشتند، رویه های اسانی تا شوند
خوش خواهند بودند و باشند
سکم مکمله رویی اینها اینجا ایجاد
نمودند. میزبور از پین سرود. بنابراین، پس از
خرت حلقه دشنه کشیدند، آنها بر گونه
که رویه های ای اه ها را می قرار می
کشند، روی هم می گذشتند و با قطعه
نحو از ماکی می پستندند و برای فروش
دهند می گذشتند.

کی دوان، گرمه راه ماند ملکی
دو خند، رویه و نادی گووه نادار تر
بلطفه و گران تراز ملکی بود و باشه
همی هم داشت ملکی که از زیری رویه و
دشت ضخیم تری که داشت از گیوه
ادام رترپه، تویی ملکی پنهان تخت
باید از شیری مباری و نوع درگاه ملکی
ناخت لاستیکی سری روستایان
خنده من شد هر دفعه کشکی که برای
جت خدمت چشمی ساخت اسکنکی برای اینان
ساورزان، بغدادان، چوانان ها، کوه
جهان و هزاره اداران اهلل و غیره میز
خنده من شد، نوار خوشی اطراف
هاین ایز جرم بود.
هی هنای سفراش شمشیر روی نوک
به یاری ملکی های سراسر ایستاده
شمشیر بیزیوس یا نی پنجه دوخته نمود
دست آن ملکی دیرتر ساییده و سوراخ
بد، میزایی کو روها و صخره ای داشت
های خوبی از قدریه ایم چراغ اتفاق
که کردند و روی بوز ملکی می دوختند
دایر بر سرمه و سوراخ شود.
نمکانی که ملکی بر اثر ساییده شو شو
نخت آن، نوح مسوی اش آشکار باقفلن
می شد، مگنده دواشی در فهی، با
ملکی کلی و کله ای دار که راهه، پایش
سرم و خاند و راحتی بود و همچوں
پروردیها، از راهه سفارشی و گران
دست خود را، به سار کنید.



پیشه‌ی گیوه دوزی در کازرون

مرحوم محمد مهدی مظلومزاده/ بخش دوم و پایانی

چار میزند. آهای روزوار کی داره؟ رووار
میخ زمه و ازون های سوچ روزوار چین در
منازل، رووار خوبیداری میگردند و آنها
را در کیسه می بینند و بختند و هر کارگاه مملکی
دزدی می بینند. ای برادر! دل روکرد و
رووار خوبید، رووار را به ملکی می دهند
می فروخت با همان ایستادنی می
کرد و شیرهای بگیری مانند آنها.
سروسان، شیرزا و شیرمه می برد و در آن
مناطقه که گوهه زوانه می خواست.
پهلو بشتری به میست اورد.

طریقہ تھے توں لملکی و گوہ
در کاراگہ ہای ملکی دوزی، ایسا شیوه
ہی کی تھیہ سندھ مارچان اقبال خشک بای
در ہوئی آزاد ہی می دادن۔ بعد یعنی
یعنی ان ہا رواج سکنگ می گھاشند
و چند صورتہ پر انہی لوپنیدن تا
کمال اسافر و سطح شوند روہاںی
خربزاری شدہ راہم در محلوں گل
گلے، میں مالینڈن اسندیش و اثار
لکھ کر روی آئیں اسین سوں سوں۔ سبیں
انہا را کامل خشک می کرند جفت
جنت روی سوہ ہای تھیہ سوہ سوار
می کرند دروڑ کوہاگہ می گھاشند
تائے تدریج دوختہ شوند۔
بعد، نخ ہای اضافی اور ہارا بالجی
می چندن اور اراہم ایساش می دادن
اصطلاح ارانت *arāstī* می دادن و
استروپی می کرند۔ ارتست شہابی
یہ جو اواب یا جو ایساش وہ
ھینیں نالیں اسیتر *jirōvāk* می دادن
jirōvak۔ چوڑاک (شہبے جو اواب می دادن
و ان را طمعے طالیں ووار می

سیز هر یک قطعه را وارا را خال به
شیوه می دوختند و به اصطلاح سال
پشت post - māk می زدند یعنی
نوا باشد نه داده ای مان "جهد" ēdēh
باگشک است گاه را که در روای چونی
معرفی کردیم از این داخل حوسی
بایان ووارک به شیوه دوخته شده
بود فراری می دادند و اما سالک که نخ
ضخم و آشته بوده موم عسل
بود من دوختند لئکه دیگر ملکی هم
به همین نحو دوخته بودند و هر دو
لئکه ملکی قالب می زدند تا جای
کشند و به اصطلاح جدار شوند.
قالب قلعه یکوب یا همان صفائی شده
محضوی سود و هنگام کلید گیردن
ایستاده تنه قلب را به داخل ملکی
سینه می گذارد و همان تنه
قابل و پیشه شده برقه فرو می گردند
و بعد باشند قالب را همین
قالب و پیشه ملکی قرار می دادند.
سپس "خوخل" xal - xal را نهه
کردند و ملکی را جند ساعتی در گوشه
ای قوارم می دادند تا بر اثر اسیر قالب
داخل ملکی می شدند و چنان چهار

مشغول بودند. ابزار کار آنان عبارت از انواع درفتهای با (دروز) erovéh گلاب‌دیوار و ساده، پالیدنوزی ماک دوی و پاپنه دوری بودند. فریضه وارد بود، نشکل tongak میانه را درست کرد. از هر خوش بخت را که بتواند بخوبی باکشند، سفره ساده خواهد بود - kuveh سفره - سرمه ساده چونی، سمتبلوط و زندگانی. کارکشان ساده که جویی، کارکشان دارد کارکشان تهه کم بخواهد. سرمه ساده سماوی سوکن سه گنجینه است که از قلهه مهره sang به صورت طرفی در میانه می‌باشد.

صفیلی دندگه روی روبه مکنی
کشیدنست سرگ و برقی بشود
فقطمه درست مکنی سکین و
ترانشهده چهار چوک و شوشه تحفه
و خواره و سواره و ازی و کوی
صف شود قاب چویی شامل چوی
فعله، تنه قال، دلیل از دلایل
سوزنون را می‌دانیم. قال، باشد
چوخل برایکی هر طول نه سامنی
چرم (چرم ایرانی پاسنه) ملکی: نیل، کیپن،
کل کوهه gel giveh رنگ
معنی، شمع عمل با میله
رسان یارشون esumin
خان: دوکن که kānd و
آسی و داد māk تخت چکی و گوچه
ruvār روبرو، چهار چویی شده اند
نشست شکنی داšōk داشتکن
روی چهار چویی: میزج چویی
mlz میزج چویی: پیش از دادن ملکی
سرچوک بپوش و میزج چویی
که اسرا دوخت و موزرا آن قرار
داد، خاصه اخوری و غیره.
کارگاه ملکی دوزی، پیشتر در دک

بعد، شوھا رادر اقتاف خ
کر کنڈ، خون ھمیکی بیداری
اسناد کاربارا وارد است وی
یکی یو جسٹریک، فارسی مان
کوئہ نہ ہے اسراست و سطح
اسنا کھوئت شوہ زدن شوہ
رسید، ابتدائی شوھا رہا
سنداں میں گلستان و دیوری
کو بیدار تسلیت و ساف
اسناد یکی کی ان ہا را وہ
خود میں کاشت۔ واش فرش
اعلاً اپنے اپنے دادا
دست دست دست دست دست دست

اهراه شوشه می داد تا بک
کیوه شوشه دریابید
ترماش زده و ارایت ماده را پس
شل و شلزار از کنی می زدند
برای این بود که همچوی می خواست
پارچه های که برگزیده شد
برود و یونک (این) آسید و
وارد افتاب می کردند
سین نوبت محظی مهره زد
صلیل به شیوه سی رسیده
موقوف دسته خط مهره
می گرفتند توک نهاده و
اشت دا خل کل کلی داغ
با شفارست این را روی
کشیدند و همچوی مطرخ و خطا
کردن شاهو شوه ها صاف و برانی
وسط دهال هایز طحوله و
زیبای شوشه را تهی می کردند
آنکه اینها شنیده های هر شوشه
کوچک چرم گاوه های شکل
عنوان شده باشد با نیم نص
و چند میخ نهست در
آهای شوشه کوپیندید

در شماره ۵۸۶ هفته نامه پیشوای اولین بخش از مقاله مرحوم محمد هدی مظلوم را زاده و بخشیده که در کارزار «منشور شد» کار برای بود دوام آن در شماره بعدی به نظر شما خواهد بود. عزیز بررسی متن مذکور به واسطه حجم بزرگ خبری و مصاحبه هاکه لازم بود روزت به نظر خواهد گذاشت که این امر میسر نشد. در پی بخش اولین مقاله مذکور تاریخی که در کارزار مباحثی موانع شد و تیرچه گوکوکی را چشم رسانی نمود کشی و مکشی در تهیه نایاب شدند. مکشی کشی در تهیه کهوه اشاره کردند. ضمن پوش مجدد ناتاخر در انتشار اینک بخش دوم این مقاله منتشر می شود.

پیک نشگاه اسپاسدان چویی در زمین
نصب بود و دیگر با مشته فلزی قرار
داشت که مغولون کار خود را نهادند.
جزی در حدود هفتاد هشتاد سانتیمتر
پلندی و خود پست و پیچ آنهاست.
قطعه شاشت، که قسمت پست و پیچ آن را
رافره مینمودند و محکم گردیدند.
در این هشتگاه، شکارهای سانگور
فقطمان بارجاه که همه نیم زد را کردند.
کارگران و دست و گله کوب که بریندند
هر شگرد در کارگاه از گزنده کوب می‌باشد.
می‌شستند و پیچین که همه کوب
می‌بردند. او تکه های را یکی یکی به
شکل مستطیل و باریک و بلند و درمی
آورد و همچنان **گنده** (gendeh)
نیزه **دانده** (dandeh) گنده کوب
فراری می‌داد و شگردان دیگر گزنده می‌کردند.
رامی گردید و گنده کوب کار خود می‌نمود
داد تا بگذشت. شگرد گنده پیچ آشنا
یکی از تکه بارجاههای را بریندند.
حوالی سی هزار جامی دارد که تا زمان
ایجاد ۱۶ سانتیمتر، با مکمی اختلاف
از ۱۵ سانتیمتر بیشتر است.

در اسوان شوشه ها رسید و آن پیش رو خود روزی میعنی بهمن کرد و مقداری از همان دره تکه های خوشی آن را که باید بر سرمه بوده و میگفتند به عسوان مصفری magzī میگفتند. به عسوان مصفری loy lāl، لای ای که که که قرار می داد و های دولابی نامی کرد تا چهارمایه های دویباره دولابی نامی کرد تا چهارمایه چهارمایه بشود. اند راه که مورت میگشتند این بود که باید چهارمایه های ساخته و طوطی شانزده سانتی متر بودند. در می اند او را که میگفتند با اندنه که میگفتند. در کارستان سندان چوبی کارکرده بودند که میگفتند میگذشتند و میگذشتند. پارچه کهنه هارا میگذشتند و میگذشتند. پیچ می گرد. شانزده گیر نیز همین را می گرد. گندله ها را یکی یکی روی سندان چوبی قرار می دادند و آبیه چندین بار روی آنها میگذشتند تا کالکس اسفلات و سطح شدن و آنها را در کالکس استادی میگذشتند.

اسناد در حکای که میگفتند روی گلکل (عقل) میگذشتند. در کارستان بزرگ نزد طوفانی مری مشت سندان بزرگ نزد طوفانی مری مشت سوخت کلک هم قطعات پراچه کهنه های در دندرون بودند که به آن چیزی بخواهند. گفتند روی گلکل های مقداری حکای زغال هایی را برخواهند تا خوبی های منعل شود و دویباره خود را در این کلک هم قرار می گذشتند. اسناد گفته ای که گلکل را درست و گذشتند. کوک در کارش قرار می داشند. می گویند و بودند و درستند. این میگذشتند. اسناد رسیدن جویانه کهنه های

